

سبک اینار



سبک آگاهی بخشی



نگاهی به محتوای برخی پست‌های کرونایی کادر درمان

پزشکان دست به قلم

آموزش و اطلاع‌رسانی یکی از مهم‌ترین کارکردهای رسانه‌هاست. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی هم به رغم اثرات منفی و کژکاردهایی که گاهی برایشان اتفاق می‌افتد، اما به واسطه فراگیری بالا و دسترسی همگانی می‌توانند در زمینه آگاهی‌بخشی و آموزش نقش مهمی داشته باشند. حالا و با پیدایشن سسر و کله و بروس کووید - ۱۹ و محدودیت‌های اجتماعی ایجاد شده به‌واسطه وجود این ویروس، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی از اهمیتی دوچندان برخوردار شده‌اند و مردم در جست‌وجوی اطلاعاتشان بیشتر از گذشته به سراغ این فضا می‌روند. یکی از پرچست‌وجوت‌ترین کلید واژه‌های این روزها برای تمام مردم دنیا و از جمله مردم کشور ما هم «ویروس کرونا»ست؛ ویروس عجیب و خطرناکی که هم دوست دارند در درباره‌اش بیشتر بدانند. همین ماجرا هم برخی از پزشکان اهل ذوق و ادب را سر شوق آورده و در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی شاهد بروز و ظهور پدیده پزشکان دست به قلم هستیم؛ افرادی که اطلاعات پزشکی را با ذوق و قلم آمیخته‌اند و هم اطلاعات خوبی به مخاطبان خود می‌دهند و هم هنر مندانه در ثبت فعالیت‌های کادر درمان حضور دارند. برخی از این صفحات هزاران فالوور را جذب خود کرده‌اند و از این طریق می‌توان آگاهی‌های لازم را دربرابر بیماری به دنبال‌کنندگان صفحات داد. ما هم به صفحات و پست‌های برخی از این افراد سری زدیم و از میان انبوه متن‌ها و محتواهای تولیدشده برخی از آنها را در ادامه برای شما روایت می‌کنیم.

جنایتکاران اجتماعی و مکافات همه‌گیر

دکتر مصطفی جلالی فخر که هم متخصص بیماری‌های داخلی است و هم منتقد فیلم در صفحه اینستاگرامی‌اش با تیتز (جنایت و مکافات) نوشت؛ وقتی بیماری دچار ایست قلبی تنفسی می‌شود، «کد ۹۹۹ اعلام می‌کنند و این یعنی تیم کد به‌سرعت بر بالین بیمار حاضر شده و عملیات احیا (CPR) را انجام می‌دهند و شاید زنده بماند. دیشب در بیمارستان کشیک‌بوم و انقدر پست سر هم کد ۹۹۹ اعلام رفتی هواپیماهای دری برمی‌خیزند و فرود می‌آیند. دیشب، بیش‌تر بیماران به توقف رسیده، برای همیشه پرواز کردند و فرودشان در غوغای قیامت خواهد بود و همه‌شان کرونایی، وقتی کار هم‌زمان ولی بیمار کم خوردند. بیمارستان از کرونا سرریز شده و کم از غائله قیامت ندارد. پدر و جوان و بدون بیماری زمینه‌ای، روز شکار، مایر باردار. شاید دو برادر که یکی رفت و یکی ماند، فعلاً زنی که از عروس شدنش یک ماه نگذشته است. شهر، شبیه مزه ملخ زده است.

این عکس مربوط به یکی از بیماران دیشب است که حوصله‌اش سر رفت و رفت. چشم‌انتظار ملاقات پسر خا‌رچش‌نیش بود و نشد و دیدار به قیامت. در بخش‌ها و ای‌سی‌یوهای مخصوص کرونا، تخت‌خالی باقی نمانده و شبیه دالستان‌های کافکا شده است. یک بار حس کردم عنکبوتی غول‌آسا در کنج ای‌سی‌یو، به دیوار چسبیده است و یکی یکی بیماران را به سمت تارهای چسبیده خود می‌کشد. هر کدام از ما می‌تواند همین کسی باشد که دیشب، تمام کرد. شاید او هم فکر می‌کرد خودش نمی‌گیرد و نیازی به ماسک ندارد. یا شاید یک گناه بود و قربانی بیمار یا نقلی شد که ماسک زنده بسود. کاش کسانی که ماسک نمی‌زنند، یا فاصله اجتماعی را رعایت نمی‌کنند، می‌فهمیدند که گاه در حد یک «جنایتکار اجتماعی» گناهکارند. با مکافات‌های همه را درگیر می‌کند.

ویروسی که مثل گرگ به جان کادر درمان افتاده است

دکتر گل رضایی هم در صفحه اینستاگرامش

دکتر گل رضایی در صفحه اینستاگرامش کرونا گرفتن خود را این‌گونه روایت کرده است: چند تا سرفه خفیف، یکم تب و بدن درد، با خودم می‌گفتم چرا چندروز است سرم درد می‌کند، نکند کرونا دارم و نمی‌دانم. تو همین فکر و خیال‌ها بودم که اورژانس مرا پیچ کرد

دکتر گل رضایی توضیح می‌دهد، کد ۹۹ یعنی بیمار دچار ایست قلبی یا تنفسی می‌شود. در این شرایط ما باید سریع خود را برسانیم و وی را سی بی آر کنیم. من متوجه شدم مردم دلشان می‌خواهد دربارہ کرونا بیشتر بدانند. بدانند در داخل بیمارستان‌ها چه می‌گذرد. به همین خاطر هم بود، سعی کردم اطلاعات بیشتری درباره کرونا به مردم بدهم و داستان‌های افرادی که در بیمارستان دچار مشکل می‌شوند را بنویسم و این مسئله با استقبال مردم مواجه شد

عاشقانه‌های قهرمانان سفیدپوش در مبارزه با کرونا

تلاش پزشکان صاحب قلم برای ماندگار کردن مجاهدت‌های کادر درمان از دریچه دوربین و قلم به روایت دکتر مجید گل‌رضایی

فداکاری‌ها و مجاهدت‌های شبانه‌روزی پزشکان و کادر درمان آنها را به قهرمانان این روزها می‌تبدیل کرده‌است. این تلاش‌ها از دید مردم و مسئولان پنهان نمانده و رهبر معظم انقلاب بارها از کادر درمان، پزشکان و پرستارها قدر دانی کرده‌اند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عملکرد ملت و مسئولان را در این زمینه در ابعاد مختلف اجتماعی - فرهنگی، درمانی، بهداشتی، علمی، مدیریتی و خدماتی «حرکتی جهادی، عظیم و افتخار آمیز» خواندند و با تأکید بر ثبت، بازخوانی و روایت هنر مندانه این تلاش و فداکاری ملی افزودند: «مردم عزیز ایران با رفتار متین و صبوره خود انصافا خوش درخشیدند و فرهنگ اسلامی - ایرانی را جلوه‌گر ساختند.»

ایشان با بیان مطالبه‌های جدی، آرزو کردند هنرمندان بتوانند همچون شهید آوینی با گفتار، نوشتار و کارهای هنری و نمایشی، جزئیات این جهاد عظیم مردمی را به شیرینی روایت و آن را در تاریخ ماندگار کنند.

مردمی برای کمک به نیازمندان دست به کار تهیه سبد کالا، ماسک و ملزومات بهداشتی شدند. با این همه شاید قهرمانان اصلی این روزها سفیدپوشانی باشند که عاشقانه تا پای جان پای بیماران کرونایی ایستادند و ایستادگی کردند. پزشکان، پرستاران و حتی خدمه بیمارستانی که در دل حادثه بودند و در نبرد تن به تن با ویروسی که هر روز ابعاد تازه‌ای از خطرات آن کشف می‌شود، ایستادند. خیلی‌ها ایشان در این نبرد سخت و نفس‌گیر گرفتار کرونا شدند. به گفته رئیس مرکز مدیریت بیمارستانی و تعالی خدمات بالینی وزارت بهداشت، تاکنون ۱۲۱۰ هزار نفر در کادر درمانی کشور با کرونا درگیر شده‌اند و همچنان هم این وضعیت ادامه دارد. همچنین کادر درمان در مسیر مبارزه با کرونا ۱۲۸ شهید تقدیم این آب و خاک کرده‌اند و روایت این مجاهدت‌ها یکی از ضرورت‌هایی است که بیاترگ هم فرهنگ ناب ایرانی است و هم این ارزش‌ها را برای نسل‌های بعدی ماندگار خواهد کرد.

تجربه کرده‌ام، نخواهد رسید؛ چرا که من سال‌ها در این زمینه تجربه داشته‌ام و حرف‌هایی را در این باره می‌توانم بگویم که شاید کمتر کسی این توانایی را داشته باشد، چون هم در حوزه پزشکی تخصص دارم و هم در حوزه سینما و نویسندگی و می‌خواهم فیلمنامه‌هایی را بنویسم که هم جنبه‌های آموزشی داشته باشد و هم دغدغه‌های کادر درمان و بیماران را به تصویر بکشد.»

وی با اشاره به مستندسازی وقایع دوران دفاع مقدس توسط شهید آوینی تصریح می‌کند: «گرچه بین من و فردی همچون شهید آوینی فاصله بسیار زیادی وجود دارد، اما شهید آوینی هم برای به تصویر کشیدن مجاهدت‌های رزمندگان دوران دفاع مقدس تصمیم گرفت تا بنویسد و مستند بسازد. من احساس می‌کنم در حوزه پزشکی هم می‌توان این کار را کرد.»

گل‌رضایی تأکید می‌کند: «این واقعا خیلی جسارت می‌خواهد که یک پزشک یا یک پرستار با وجود داشتن همسر و فرزند و هزاران امید و آرزو برای آینده در اتاق شیشه‌ای ای‌سی‌یو برود و با علم به اینکه ممکن است خودش هم به کرونا مبتلا شود برای بیمار بدحال کرونایی دلسوزانه کار کند.»

وی با اشاره به اینکه درگیری با کرونا به دو صورت ممکن است، اتفاق بیفتد، می‌افزاید: «گاهی وقت‌ها ممکن است فردی به کرونا مبتلا شود، شبیه یک سرماخوردگی ساده و بعد از دو هفته قرنطینه بتواند به زندگی عادی‌اش بازگردد، اما گاهی وقت‌ها ممکن است این درگیری با بیماری به مرگ فرد بیمار منتهی شود، درست شبیه پزشکسانی که دچار این بیمار شدند و دیگر بازنگشتند و شهید شدند.»

وی با اشاره به افرادی که در جریان همه‌گیری این بیماری به دل حادثه زدند و از خود و خانواده‌شان عبور کردند و مدت‌ها در این باره تحقیق کنند به آنچه که من دیدم و

سلامت را به‌دست می‌آوری و ۱۲۰ سال عمر می‌کنی، اما فردای آن روز که ما با هم این صحبت‌ها را کردیم، بیمار کد ۹۹ خورد.»

انطور که دکتر گل‌رضایی توضیح می‌دهد، کد ۹۹ یعنی بیمار دچار ایست قلبی یا تنفسی می‌شود. وی می‌افزاید: «در این شرایط ما باید سریع خود را برسانیم و وی را سی بی آر کنیم. من این داستان را نوشتم و فردای آن روز ۳۰ تا ۳۸ ساعت خبری این ماجرا را با تیتزهای مختلف باز یاد دادند. اینجا بود که من متوجه شدم مردم دلشان می‌خواهد درباره کرونا بیشتر بدانند. بدانند در داخل بیمارستان‌ها چه می‌گذرد. به همین خاطر هم بود، سعی کردم اطلاعات بیشتری درباره کرونا به مردم بدهم و داستان‌های افرادی که در بیمارستان دچار مشکل می‌شوند را بنویسم و این مسئله با استقبال مردم مواجه شد.»

روایت آنهایی که مجاهدانه ایستادند و آنهایی که فرار کردند

دکتر گل‌رضایی درباره هدفش از نوشتن درباره کرونا و اتفاقاتی که در بیمارستان محل کارش می‌افتد، می‌گوید: «من به دنبال این هستم که به صورت جدی در حوزه فیلمنامه‌نویسی فعالیت کنم و با آنچه که در حوزه پزشکی و بیمارستان‌ها می‌بینم ایده‌های متعددی برای ساخت فیلم با محوریت پزشکان و اتفاقاتی که در بیمارستان‌ها رخ می‌دهد، دارم و به دلیل حضور خودم به عنوان یک پزشک در بیمارستان ایده‌ها و اطلاعاتی را در این باره دارم که هیچ‌وقت یک کارگردان فیلمنامه‌نویس عادی نمی‌تواند به سادگی به آن دست یابد و حتی اگر مدت‌ها در این باره تحقیق کنند به آنچه که من دیدم و

جاودانه کردن مجاهدت کادر درمان با قلم و تصویر

در این میان در بین اعضای کادر درمان هم افراد هنرمند و صاحب قلم کم نیستند، کسانی که در طول این شش ماه با استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی از یک‌سو در زمینه اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به مردم درباره ویروس کرونا و راه‌های مقابله و ایمنی از آن فعالیت داشته و دارند و از سوی دیگر به عنوان کسانی که خوششان در میدان مبارزه با کرونا ایستاده‌اند و از نزدیک فداکاری، تلاش کادر درمان، شرایط سخت و نفس‌گیر و لحظات التهاب‌آفرین احیای بیماران کرونایی را تجربه می‌کنند و با قلم زیبای شویای خود این فداکاری‌ها و تلاش‌ها را ثبت و ضبط می‌کنند تا در تاریخ علم پزشکی ماندگار شود و به دست آیندگان برسد. حضور این پزشکان و پرستاران اهل قلم در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی ظرفیت عظیمی است که می‌تواند در ثبت هنرمندان شرح‌فداکاری و استقامت مردم و کادر درمان کشور به کار گرفته شود و این جلوه‌از رویش انسانیت، اخلاق در چهره‌ای‌ترین شرایط را در قالب تصویر، نوشتار و کتاب ماندگار کند.

ماجرای مادری در آستانه مرگ

در این مدت شاهد فداکاری و تلاش خستگی‌ناپذیر کادر درمان را شاهد بودیم و این موضوع مطرح شد که شبیه کاری که شهید آوینی در دوران دفاع مقدس انجام داد و روایت فتح را به تصویر کشید در اینجا هم یک ضرورت و مطالبه است؛ مطالبه‌ای که حتی مقام معظم رهبری هم در رأس آن قرار گرفت.

دکتر مجید گل‌رضایی متخصص بیهوشی و مراقبت‌های ویژه یکی از پزشکانی که در این مدت صفحه اینستاگرامش را به محلی برای نوشتن از کرونا و فداکاری‌های کادر درمان برای بیماران کرونایی کرده است. دکتر گل‌رضایی علاوه بر مدرک پزشکی مدرک کارگردانی هم دارد و اتفاقاً در حوزه فیلمنامه‌نویسی و کارگردانی چند سالی فعال بوده و کارهایی هم ساخته است. این پزشک که دو تخصص اهل قلم، هنرپردن و تخصص پزشکی را در کنار هم دارد در طول شش ماهه اخیر و با شیوع کرونا در کشور توانسته است در صفحه اینستاگرامی خود اطلاعات خوبی درباره این بیماری به مردم بدهد و هم به شکل هنرمندانه‌ای فداکاری و تلاش‌های کادر درمان را در کلیپ‌های کوتاهی که خودش می‌سازد به تصویر بکشد. فعالیت‌های هنری و علمی وی در طول این مدت موجب شده تا تعداد فالوورهای صفحه اینستاگرامش به ۱۳ هزار و ۴۰۰ هزار نفر برسد.

به سراغ این پزشک فعال در عرصه فضای مجازی می‌روم. از وی می‌پرسم هدف شما از نوشتن در اینستاگرام چیست؟ می‌گوید: «کرونا باعث شد تا افراد کنج‌گاو باشند و بخواهند درباره کرونا بیشتر بدانند و من تصمیم گرفتم در این باره بنویسم. این ماجرا هم کاملاً اتفاقی رخ داد. همان اوایل کرونا خانمی ۴۲ ساله کرونا گرفته بود و در بخش ما بستری بود. این خانم دو فرزند چهار و ۹ ساله داشت و نگران فرزندانش بود که اگر برای خودش اتفاقی بیفتد، سرنوشت فرزندانش چه می‌شود، اما من به او می‌گفتم، این چه حرفی است می‌زنی، آن‌شاه‌الله

لذتی که اگر درک کنید پای کار می‌ماند

گل‌رضایی برای اینکه مجاهدت کادر درمان را بهتر به تصویر بکشد، به آنهایی اشاره می‌کند که نماندند و به پناه‌های مختلف از انگیاض مسئولیت‌هایشان فرار کردند تا مبادا در نبرد با کرونا دچار مشکل شوند. وی در این باره یکی از مصادیق این فرار از مسئولیت را این‌گونه روایت می‌کند: «یکی از افرادی را من می‌شناختم که دو سال قبل تاندون پایش دچار آسیب شده بود و هیچ وقت قصد نداشت تا تاندون پایش را معالجه کند، اما با پیدایشن سسر و کله کرونا به یک باره به پناه‌ده‌رمان سه ماه مرخصی گرفت تا از مهلکه فرار کند، اما در برابر این با افرادی مواجهیم که حتی وقتی به آنها مرخصی اجباری داده می‌شود تا بروند به خانواده‌شان سر بزنند و بایند قبول نمی‌کنند کسانی را داریم که می‌گویند اگر من به مرخصی بروم سنگینی بار عدم حضور من روی دوش دیگران می‌افتد و به همین خاطر حاضر نمی‌شوند حتی به مرخصی بروند، اما داریم افرادی را که حتی استعفا داده‌اند و رفتن‌اند تا مبادا با بیماری درگیر شوند.»

تنها انتظار کادر درمان از مردم

این پزشک متخصص با انتقاد از اینکه مردم هنوز آنچنان که باید و شاید کرونا را جدی نگرفته‌اند، تصریح می‌کند: «من چند روز پیش برای کاری به بیرون

مراجعه کرده بودم و دیدم مردم خیلی راحت بدون ماسک در کافی‌شاپ نشسته‌اند و در مراکز خرید حضور دارند. انگار نه انگار که روزی شش، هفت بیمار در هر بیمارستانی بر اثر بیماری کرونا می‌میرند و اگر مردم سه ماه به صورت زنجیرهای ماسک می‌زدند و در جامعه حضور پیدا نمی‌کردند، می‌شد ویروس کرونا را کنترل کرد.»

این پزشک از مردم می‌خواهد کرونا را جدی بگیرند؛ وی از بیماری روایت می‌کند که روز سیزدهم در بیرون رفته بود و کرونا گرفته است و حالا چند ماه می‌شود که درگیر بیماری است و تاکنون سه بار تا پای ایست قلبی تنفسی رفته است و شرایط به گونه‌ای پیش رفته که این خانم می‌گفته «کاش بمیرم و این عذاب تمام شود.»

به گفته وی ساده‌تر از آنچه تصور کنیم، ممکن است کرونا به سرانمان بیاید و هنوز معلوم نیست کرونا بعدا چه عوارضی در پی خواهد داشت.

